



# میزگرد امام حسین (ع) در منابع مرجع

\* آقای اسفندیاری: به نام خدا، بحث و بررسی این جلسه که به اهتمام کتاب ماه کلیات ترتیب داده شده است، عاشورانگاری در منابع مرجع است. کتاب‌های مرجع چنان که از عنوان آن گویاست، کتابهایی است که محل مراجعه خوانندگان و محققان است. بر خلاف کتابهای دیگر که از آغاز تا انجام آن خوانده می‌شود، کتابهای مرجع به آثاری گفته می‌شود که هیچ‌گاه و یا معمولاً به طور کامل خوانده نمی‌شود، بلکه محققان تنها به بخشهای مورد نیازشان، مراجعه می‌کنند. از آن جا که کتابهای مرجع به صورت گروهی تألیف و تدوین می‌شود و دقتهای لازم در مورد آن اعمال می‌شود، ارجاع به این گونه کتاب‌ها بسیار زیاد است و محل اطمینان خوانندگان و محققان است تا جایی که برخی، سخنانی که در کتاب‌های مرجع آمده است را فصل الخطاب قلمداد می‌کنند. به همین لحاظ اگر خطایی در کتاب‌های مرجع یافت شود، آن خطا را باید خطای مضاعف تلقی کرد، زیرا که بسیاری را به اشتباه می‌اندازد. درباره آثار مرجعی که درباره امام حسین (ع) نوشته شده است، در پیرامون چند محور سخن خواهیم گفت. اولین محور، دائره‌المعارف‌ها، دانشنامه‌ها و موسوعه‌هایی است که در مورد آن حضرت نوشته شده است. از جمله می‌توان به کتاب دائره‌المعارف الحسينیه از محمدصادق کرباسی، تاریخ امام حسین (ع) از انتشارات وزارت آموزش و پرورش و فرهنگ عاشورا از آقای جواد محدثی اشاره کرد. آقای رفیعی عهده‌دار بحث و بررسی در این محور هستند.

\* آقای رفیعی: در باره کتابهای مرجع مربوط به امام حسین (ع)، باید گفت که متأسفانه با همه اهمیتی که امام (ع) و حادثه عاشورا برای مسلمانان، به ویژه شیعه، داشته است و با همه آثاری که در طول تاریخ، پس از شهادت امام (ع) تا امروز، راجع به این حادثه و عظمت و بزرگی مقام امام حسین (ع) و یارانش نوشته شده است، در این مورد خاص، یعنی مرجع‌نگاری در باره امام حسین (ع)، کوششهای بسیار ناچیزی

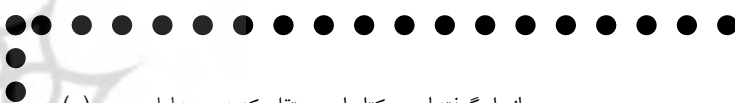
## حاضران در جلسه:

۱. جناب آقای محمد اسفندیاری، دبیر جلسه
۲. حجه الاسلام و المسلمین آقای عبدالهادی مسعودی
۳. جناب آقای دکتر حسن تبرانیان
۴. جناب آقای محمدجواد صاحبی
۵. جناب آقای علی رفیعی علامرودشتی
۶. حجه الاسلام و المسلمین آقای صدرائی خوئی
۷. آقای محمد سمیعی

## سرفصل‌های میزگرد:

۱. موسوعه‌هایی که در مورد حضرت نوشته شده است، مانند: دائره‌المعارف الحسينیه، محمدصادق کرباسی؛ فرهنگ عاشورا، جواد محدثی؛ تاریخ امام حسین، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
۲. گزارشی از موسوعه‌های در حال تدوین، مانند: اندیشه‌نامه امام حسین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی؛ موسوعه الامام الحسين، دار الحدیث
۳. امام (ع) و مدخل‌های مرتبط با ایشان، در دائره‌المعارف‌های اسلامی و عمومی
۴. بایسته‌های پژوهش در مورد امام حسین (ع)
۵. تصحیح و تحقیق و انتشار نسخ خطی در مورد حضرت
۶. امام در نرم افزارها و اینترنت
۷. کتاب‌شناسی امام حسین (ع)





ترتیب منطقی ندارد و تقریباً می‌توان گفت که ترتیب تاریخی دارد. در مجلداتی که منتشر شده است، به غیر از البدایه، جلد ۴ و ۵ در مورد دیوانهایی در قرن اول است، شامل اشعار، مدایح، قصاید و مرثیاتی که راجع به حادثه عاشورا و امام حسین(ع) سروده شده است. جلد ۶ و ۷، دیوانهای قرن دوم و سوم هجری است و به همین ترتیب جلدهای بعد. جلد ۳۹ تا ۴۸ مربوط به دیوان‌های قرن پانزدهم هجری است. یعنی آن چه شاعران در قرن پانزدهم در مورد امام حسین(ع) سروده‌اند را در این چند جلد آورده است. کتاب، ترتیب منطقی ندارد و گزینشی نیز نمی‌باشد، یعنی این‌ها را براساس اهمیت قصاید، مرثیاتی و مدایح و یا اهمیت موضوع و یا اهمیت خود شاعر، طبقه‌بندی نکرده است. به هر حال این دایره‌المعارف، گرچه عنوان دایره‌المعارفی دارد ولی در واقع و به معنای مصطلح، دایره‌المعارف نیست. اما اگر تمام مجلدات آن چاپ شود، می‌توان آن را جامع‌ترین کتابی دانست که در مورد امام حسین(ع)، حادثه عاشورا و مسائل پس از آن، مطالب را یک جا در اختیار خوانندگان قرار می‌دهد. البته اگر خوانندگان بتوانند که ۳۳۲ جلد یا ۵۰۰ جلد کتاب را یک جا تهیه کنند. دومین کتابی که می‌توان گفت که مدعی موسوعه بودن است، کتاب موسوعه کلمات الامام الحسین(ع) است که اختصاص به سخنان امام حسین(ع) دارد. کتاب، حدود هزار حدیث از امام را جمع‌آوری کرده است که به دو شکل، یکی موضوعی و دیگری تاریخی، آنها را تفکیک کرده است. به عبارت دیگر کتاب دو قسمت دارد؛ در قسمت اول، روایات امام را به صورت تاریخی، دسته‌بندی کرده است، یعنی روایاتی که از امام حسین(ع) در زمان پیامبر (ص)، حضرت علی(ع)، امام حسن(ع) و روایاتی که پس از امام حسن(ع) تا روز

انجام گرفته است. کتابهای مستقلی که در مورد امام حسین(ع) و حادثه عاشورا و اصحاب ایشان نوشته شده است و هم چنین بازگویی این حادثه در کتابهای تاریخی دیگر، به صورت غیر مستقل، تقریباً پنج هزار مورد برآورد شده است که بیشتر به اصل حادثه کربلا پرداخته‌اند. در خیلی از این کتابها، اصولاً راجع به مسایل مربوط به زندگی امام از بدو تولد تا پایان زندگی آن حضرت و بعد از حادثه عاشورا، مطلبی نیست و بیشتر درباره عاشورا و کربلا است. حتی هنوز کتاب مستقلی نوشته نشده است که بدانیم امام قبل از حادثه عاشورا در دوران پیامبر، حضرت علی(ع) و یا امام حسن(ع)، چه فعالیتهایی داشته‌اند؛ یا اصولاً همانند امام صادق(ع) و یا امام باقر(ع) شاگردان و یا روایاتی داشته‌اند که احادیثی از آنان نقل شده و یا جلسات نقل حدیث داشته باشند؛ در مورد امام حسین(ع) کمتر به این موضوع پرداخته شده و بیشتر به حادثه عاشورا و تبعات آن پرداخته‌اند. به هر حال ما در این مورد، با تمام کوششهایی که انجام گرفته است، هنوز در آغاز راه هستیم. چند کتاب که در مورد امام حسین(ع) به صورت موسوعه و یا حداقل به نام موسوعه یا دایره‌المعارف نگاشته شده است، دایره‌المعارف به معنای مصطلح نیست. برای مثال دایره‌المعارف الحسینی که آقای اسفندیاری فرمودند و قرار است تا حدود ۳۳۲ جلد یا بر اساس ادعای قبلی، تا حدود ۵۰۰ جلد، ادامه یابد، دایره‌المعارف به معنای مصطلح نیست. در آن کتاب، مدخل‌ها به صورت الفبایی تنظیم نشده‌اند و شیوه نگارش، آغاز و انجام یک مقاله، بر اساس استاندارد دایره‌المعارفی نیست. این کتاب بر اساس موضوع، تقسیم‌بندی شده است و حتی بر اساس آن موضوع هم – تا جایی که من اطلاع دارم و دیده‌ام که بیست جلد آن منتشر شده است –



شهادت شنیده شده را آورده است و در قسمت دوم، این روایات را به صورت موضوعی دسته‌بندی کرده است. کتاب، در نوع خودش کامل و بسیار خوب است، اما در عین حال نمی‌توان به آن دائرةالمعارف و یا موسوعه گفت. کتاب سومی که در این مورد چاپ شده و به نظر من می‌تواند سرآزایی برای دائرةالمعارف‌نگاری و یا موسوعه‌نگاری در مورد امام باشد، کتاب فرهنگ عاشورا از آقای جواد محدثی است. در واقع یک فرهنگنامه و یا دائرةالمعارف مختصر، شامل اطلاعات مستند راجع به امام حسین است. این کتاب در یک جلد منتشر شده و صدها عنوان و یا مدخل را در مورد عاشورا و امام، از آغاز تا انجام، شامل شده است. می‌توان گفت اگر از این به بعد خواستیم دائرةالمعارفی در مورد امام حسین (ع) بنویسیم، باید از این کتاب به عنوان مرجع اصلی برای استخراج عناوین دائرةالمعارفی، استفاده کنیم. چون در تدوین دائرةالمعارف در مورد امام حسین (ع)، مدخل‌یابی اهمیت به سزایی دارد. من خودم درگیر استخراج عناوین، بوده‌ام و این مشکل اساسی کار ما بود. مقصودم طرح تدوین دائرةالمعارفی در مورد امام حسین (ع) است که قرار بود در مرکز تحقیقات سپاه، در قم انجام گیرد و بسیاری از عناوین و مدخل‌های دائرةالمعارف هم استخراج شد و پس از جرح و تعدیل، حدوداً دو تا سه هزار مدخل، فراهم شد، منتهی به سرانجام نرسید. به هر حال فرهنگ عاشورا تنها کتابی است که به صورت الفبایی در مورد مدخل‌های مربوط به امام حسین (ع) و جریان حادثه مهم عاشورا تنظیم شده است. چهارمین کتاب که در این مورد منتشر شده و عنوان موسوعه امام حسین (ع) را داراست، تاریخ امام حسین (ع) است

علی رفیعی :

متأسفانه با همه اهمیتی که امام (ع) و حادثه عاشورا برای مسلمانان، به ویژه شیعه، داشته است و با همه آثار که در طول تاریخ، راجع به این حادثه و عظمت و بزرگی مقام امام حسین (ع) و یارانش نوشته شده است، در این مورد خاص، یعنی مرجع‌نگاری در باره امام حسین (ع)، کوشش‌های بسیار ناچیزی انجام گرفته است



که قرار است در ۲۰ جلد منتشر شود. این کتاب بر خلاف نامش که موسوعه است، در واقع همان تاریخ امام حسین (ع) است. یعنی مسائلی را بر اساس تاریخی و موضوعی تنظیم کرده است. از این کتاب، تا کنون ۴ جلد منتشر شده است، یعنی از جلد اول تا سوم و جلد نهم. مسائلی که قرار است در این ۲۰ جلد مورد بحث و بررسی قرار گیرد، در سه محور، معرفی و خلاصه کرده‌اند. محور اول بررسی تاریخ عاشورا و علل حوادث و پیامدهای آن است. محور دوم، گردآوری اطلاعات در مورد شخصیت‌هایی که همراه امام حسین (ع) یا با امام حسین (ع) در ارتباط بوده‌اند و هم چنین زنانی که در واقعه عاشورا حضور داشته‌اند. محور سوم زندگانی امام حسین (ع) از ولادت تا شهادت است. یعنی در این ۲۰ جلد، پیرامون این سه محور بحث می‌شود، منتهی ترتیب کتاب، ترتیب تاریخی است. مثلاً جلد اول از خلافت یزید آغاز می‌شود، خروج امام از مدینه و بیعت نکردن ایشان با یزید و ورود به مکه و با اعزام مسلم بن عقیل به کوفه پایان می‌یابد؛ جلد دوم از عزم امام برای خروج از مکه و

ورود به عراق و منزلگاه‌هایی که امام در مسیر مکه تا عراق پیموده‌اند تا حوادث روز عاشورا؛ جلد سوم از ورود شمر به کربلا تا ساعت شهادت امام و حوادثی که تا آن ساعت اتفاق افتاده است. در جلد نهم، زندگینامه حضرت ابوالفضل العباس (ع) از آغاز ولادت تا شهادت و زندگینامه فرزندان حضرت علی (ع)، غیر از حضرت ابوالفضل (ع) و امام حسین (ع)، آمده است؛ در واقع می‌توان گفت که برادران تنی و ناتنی حضرت ابوالفضل (ع) را نام برده است. بهتر است به این مجموعه، تاریخ امام حسین بگوییم، چون هیچ ترتیب الفبایی ندارد و مدخلی استخراج نشده و فقط موضوعات، بر اساس تاریخ، تنظیم شده‌اند. اگر از روز به خلافت رسیدن یزید تا روز به شهادت رسیدن امام را در این سه جلد مورد توجه قرار دهیم، می‌بینیم که حدود ۲۵۰ مرجع و مأخذ، در آن، مورد استفاده قرار گرفته است. این مجموعه به صورت گروهی تدوین شده است و سازمان آموزش و پرورش آن را منتشر کرده است. مطالبی که در این کتاب منتشر شده از منابع دست اول قدیمی تا منابع جدید معاصر گرفته شده و هر مطلب، با ذکر آدرس دقیق و مشخصات کامل، به منبع خود استناد شده است. منتها تا جایی که من در سه جلد اول، دیده‌ام، ترتیب تاریخی هم به صورت کامل، رعایت نشده است. با این که بر اساس تاریخ، روایات را نقل کرده است، گاهی اوقات، منزلگاهی در نزدیکی مکه در صفحه ۱۰۰ کتاب آمده و باز روایتی در مورد حادثه‌ای که در همان منزلگاه اتفاق افتاده، در صفحه ۵۰۰ ذکر شده است؛ یعنی ترتیب تاریخی هم به صورت کامل، رعایت نشده است. ولی در عین حال می‌توان گفت که اگر به انجام و کمال و فرجام برسد، کتابی جامع و کامل است که موضوعات خامی را در آن مطرح کرده‌اند و می‌تواند برای کسانی که می‌خواهند حادثه عاشورا و یا تاریخ امام حسین و مسائل مربوط به آن و حتی پس از آن را مورد بررسی قرار دهند، مرجع باشد. من تا جایی که دیده‌ام غیر از این چهار مورد، کتابی که عنوان دائرةالمعارف و یا موسوعه داشته باشد، به نظر نرسید. یعنی در کتابخانه دائرةالمعارف بزرگ اسلامی و آیت الله مرعشی و حتی از اینترنت کمک گرفته‌ام، کتابی که عنوان دائرةالمعارف، فرهنگ‌نامه، موسوعه و یا کتاب مرجع راجع به امام حسین (ع)، غیر از این چهار مورد، متأسفانه موجود نبود. پس این چهار کتاب می‌توانند به عنوان چند مرجع اساسی، توسط کسانی که می‌خواهند دست‌اندرکار نوشتن دائرةالمعارفی راجع به امام حسین (ع) باشند، مورد استفاده قرار بگیرد. البته نوشتن دائرةالمعارف در مورد امام حسین (ع)، کاری مشکل است. چون امام، تنها در روز عاشورا و حتی در ایام عمرشان خلاصه نمی‌شوند، از روز تولد و حتی قبل از تولد، تا عصر کنونی، از نظر تاریخی، جغرافیایی، شخصیت‌شناسی و رجال و هم از نظر کتاب‌شناسی، به صورت مستمر ادامه دارد. بنا بر این، تنها یک گروه بسیار برجسته در یک مرکز علمی بسیار مهم با یک کتابخانه بسیار بزرگ، می‌تواند که استخراج عناوین و مدخل‌های مختلف در ارتباط با امام و حادثه عاشورا را در قالب یک دائرةالمعارف، به سرانجام برساند.

\* آقای اسفندیاری: با تشکر از آقای رفیعی - بدون این که بخواهیم بحث حق کسی را مطرح کنیم، همان طور که آقای رفیعی هم اشاره فرمودند - ما در باب مرجع‌نگاری و دائرةالمعارف نویسی درباره امام





کتابهای متعددی داریم که مشتمل بر علوم متعددی است، اما بر سبک و سیاق دائرةالمعارف، کلمه دائرةالعلوم را به کار نبرده‌اند ولی ما می‌توانیم به کار ببریم. مانند کتاب احصاء العلوم فارابی، مفاتیح العلوم خوارزمی، مفتاح العلوم سکاکی و جامع العلوم امام فخررازی، این‌ها مشتمل بر علوم است که می‌توان کلمه دائرةالمعارف را هم برای آن به کار برد یا احياناً به اعتبار دیگری می‌توان دانشنامه را برای این گونه کتابها، به کار برد. چهارمین تعبیری که در این زمینه هست، تعبیر فرهنگ‌نامه است. این تعبیر هم در فرهنگ ایرانی بوده است. در ابتدا بیشتر به کتابهای لغت، تعبیر فرهنگ و یا فرهنگ‌نامه گفته می‌شد، اما بعداً به هر کتابی که ترتیب الفبایی دارد، گفته می‌شود و الآن هم کتابهای متعددی با نام فرهنگ‌نامه داریم. اما پنجمین تعبیری که درباره کتابهای دائرةالمعارفی داریم، کلمه موسوعه است. این کلمه در حدود پنجاه تا صد سال است که وارد فرهنگ ایران و اسلام شده است. کسی از گذشتگان، تعبیر موسوعه را به کار نبرده است. این تعبیر جدیدی است و اتفاقاً نمی‌خواستند این تعبیر را ذوق آزمایی کنند و واقعاً ما خلاء تعبیر داشتیم. این تعبیر را برای یک سلسله کتابهایی که معلوم نبود، عنوانش چیست، ساختند. امروزه کتابهایی منتشر می‌شود که نظم و ترتیب دائرةالمعارفی و یا دانشنامه‌ای ندارد، اما مشتمل بر اطلاعات جامع و مانع در یک موضوع است و نام آن را موسوعه می‌گذارند. از موسوعه‌های خیلی معروف که در سال‌های اخیر منتشر شده، موسوعه الامام علی(ع) است که مؤسسه دارالحدیث منتشر کرده است. دائرةالمعارف نیست و نظام الفبایی و مدخل نیز ندارد، فرهنگ‌نامه و دانشنامه نیز نمی‌باشد، اما موسوعه است، یعنی اطلاعات جامع و مانع درباره امیرالمومنین(ع) در آن وجود دارد. من تا به حال ندیده‌ام کسی برای کلمه موسوعه، معادل فارسی بسازد. اتفاقاً در این جا بستر خوبی است که پیشنهاد کنیم که برای کلمه موسوعه، یک واژه معادل فارسی

حسین(ع)، هنوز گامهای اول را برنداشته‌ایم. لازم است کتابهای آموزنده و ارزنده‌ای در این زمینه تدوین و تهیه شود. من برای این که محل بحث خوب روشن شود، درباره دائرةالمعارفها و کتابهای شبه‌دائرةالمعارف، توضیح کوتاهی عرض می‌کنم. برای دائرةالمعارفها و کتابهایی که شبیه دائرةالمعارف هستند، می‌توان پنج نام گذاشت. نخست، همین عنوان دائرةالمعارف است که پیشینه دیرینی در فرهنگ اسلام و ایران دارد و این تعبیر را امروزه برابر کلمه "Encyclopedia" به کار می‌برند. مقصود از دائرةالمعارف، کتاب مرجعی است که شامل تمام علوم، معارف، تراجم، رجال و کتاب‌شناسی است. بارزترین و برجسته‌ترین دائرةالمعارف در ایران، دائرةالمعارف فارسی مرحوم دکتر غلامحسین مصاحب است. اگر ما بخواهیم خیلی سخت‌گیری کنیم، باید هیچ‌گاه برای کلمه دائرةالمعارف، قیدی به کار نبریم، یعنی نگوئیم که دائرةالمعارف اسلام و یا ایران! چون در خود دائرةالمعارف، اطلاق است و شامل همه علوم و معارف می‌شود. چنان که در دائرةالمعارف فارسی مرحوم غلامحسین مصاحب، فرهنگ اسلامی، ایرانی، تاریخ و جغرافیا، تراجم و ... آورده شده است. تعبیر دیگر که به هنگام این که به آن قیدی بخواهد اضافه شود، به کار می‌برند تعبیر دانشنامه است که این را معادل کلمه "Cyclopedia" به کار می‌برند. در دنباله دانشنامه می‌توان قیدی اضافه کرد. مثلاً می‌توان دانشنامه ایران و یا دانشنامه اسلام، دانشنامه گل‌ها، دانشنامه کتاب‌داری داشت. برخلاف دائرةالمعارف که اگر بخواهیم سخت‌گیری کنیم، بهتر است که با قید، به کار برده نشود. کلمه دانشنامه هم در اسلام و ایران سابقه دارد؛ کتاب دانشنامه علایی ابوعلی سینا نام‌دار است. تعبیر دیگری که می‌توان استفاده کرد، اما گذشتگان ما استفاده نکردند، تعبیر دائرةالعلوم است. یعنی کتابی که مشتمل بر انواع و اقسام علوم باشد و این با دائرةالمعارف فرق می‌کند. از قضا ما در جهان اسلام،

**ما در باب  
مرجع‌نگاری و  
دائرةالمعارف نویسی  
درباره امام حسین(ع)، هنوز  
گامهای اول را برنداشته‌ایم. لازم  
است کتابهای آموزنده و  
ارزنده‌ای در این زمینه  
تدوین و تهیه  
شود**



داشته باشیم. تعابیری مثل فراگیرنامه، یعنی کتابی که شامل مطالب فراگیری است، می‌توان برابر کلمه موسوعه ساخت. به هر حال پنج تعبیر درباره کتابهای دائره‌المعارف هست که با هم تفاوت دارند. البته هنگامی که ما جنس و فصل چیزی را معین می‌کنیم، هر واژه را می‌توانیم در جای خودش به کار ببریم ولی لازم است که دقت شود. دائره‌المعارفهایی را که آقای رفیعی اشاره کردند، در واقع ملات و مواد دائره‌المعارف‌های آینده هستند، یعنی دائره‌المعارف الحسینیة، فرهنگ عاشورا و این گونه کتاب‌ها. ما هنوز دائره‌المعارف و موسوعه‌ای خیلی جدی با تمام دقت‌هایی که در مورد امام حسین (ع) بایسته است، نداریم. البته مؤسسه دارالحدیث که عهده‌دار نشر معارف حدیثی اهل بیت است، عهده‌دار انجام کاری شده به نام موسوعه الامام حسین (ع) که به سبک و سیاق موسوعه الامام علی (ع) است که قبلاً از طرف این مؤسسه، منتشر شده است. آقای مسعودی مسئول گروه موسوعه‌نگاری در این مؤسسه هستند و در این باره توضیحاتی می‌فرمایند.

**\* آقای مسعودی:** همان طور که سرور بزرگوارمان آقای اسفندیاری فرمودند و جناب آقای رفیعی هم اشاره داشتند، درباره امام حسین (ع) و زندگی‌نامه آن حضرت و کلمات آن بزرگوار، کاری درخور، ارائه نشده و شاید هم ارائه نخواهد شد. حتی می‌توان گفت در حد توان عالمان شیعی و در حد امکانات موجود هم کاری عرضه نشده است. ایشان به درستی مشکلاتی که بر سر راه تهیه چنین دائره‌المعارف و یا به تعبیر دقیق آقای اسفندیاری، چنین موسوعه‌ای هست، نشان دادند و این که اگر ما بخواهیم به تدوین چنین موسوعه‌ای بپردازیم، آیا کلمات ایشان

عبدالهادی مسعودی:

موسوعه امام حسین (ع) دارای این بخشهاست: تبار امام حسین (ع)، چگونگی تولد حضرت؛ دعاهایی که جد و پدر و مادر بزرگوارشان داشتند، مشخصات ظاهری، سیره و شمایل حضرت؛ ازدواج و فرزندان ایشان؛ سخنان پیامبر اسلام (ص) در خصوص ایشان؛ روابط ایشان با پیامبر و پدر و مادر و برادرشان؛ امام حسین (ع) در دوران خلفای راشدین، دوران حکومت امیرالمؤمنین (ع)، امامت امام حسن (ع)، قیام امام حسین (ع) و پیامدها و بازتابهای آن



را منظور داریم؟ آیا زندگی‌نامه ایشان را در نظر بگیریم؟ و آیا در آوردن مطالبه باید ترتیب تاریخی و یا ترتیب الفبایی را رعایت کنیم و یا درهم کردی از آنها را؟ ما مشابه این مشکلات را در مورد موسوعه امام علی (ع) داشتیم که راه حلی را در آن جا به دست آوردیم. موسوعه امام علی (ع)، ۱۶ فصل است که در واقع، دارای دو بخش کلی است. یکی این که از دوران کودکی حتی قبل از کودکی، از تبار ایشان شروع می‌کند، از دوران امامت تا به آخر و به این ترتیب تاریخی به پیش می‌رود. از جلدهای میانی، این نگرش تغییر پیدا می‌کند و راجع به موضوعاتی که در مورد امام می‌توان بحث کرد، مثل کرامتها، خصایل و از این قبیل، بحث می‌شود. به عبارت دیگر بخش آغازین کتاب، یک بخش تقریباً تاریخی است و بخش دوم کتاب، یک بخش موضوعی است. درباره موسوعه امام حسین (ع) نیز ما چنین قصدی داریم. در موسوعه‌هایی که دارالحدیث درصدد تهیه آن است، مجموعه‌ای از حدیث، تاریخ و سیره در باره سؤالات روز و شبهه‌های موجود و معاصر، در هم تنیده

می‌شود. به عبارت دیگر ما هم‌زمان از آیات قرآنی، احادیث، متون معتبر تاریخی و سیره و رفتارهایی که ائمه داشته‌اند و در این میدان و عرصه به کار می‌آید، استفاده می‌کنیم. جالب است که توجه داشته باشیم که این متون مستقیماً در کتاب عرضه می‌شوند. یعنی دخالت مؤلف در آنها به حداقل می‌رسد و خواننده می‌تواند به طور مستقیم و خیلی سریع، راجع به متون تاریخی و نتیجه‌گیری که غالباً آن را در عنوان آن فصل جای داده‌ایم، قضاوت کند. ما تمام منابع فریقین را نگاه می‌کنیم و کار ما مختص به متون شیعی نیست. ما در همه موسوعه‌هایی که دارالحدیث درصدد تهیه آن است و تا به حال دو تا از آن‌ها را به شکل قابل قبولی بیرون داده است، متون اصلی شیعه و اهل سنت را در کنار هم می‌بینیم. حتی در موسوعه امام علی (ع) تعداد منابع سنی، بیش از منابع شیعی است و ممکن است در موسوعه امام حسین (ع) نیز چنین اتفاقی رخ دهد. افزون بر متون تاریخی، متون حدیثی و آیات قرآنی که در آن فصول هستند، گاه تحلیل‌ها و بیان‌هایی را اضافه می‌کنیم. این تحلیل‌ها کاملاً متمایز از متون، ارائه می‌شوند تا قضاوت خواننده سهل‌تر و سریع‌تر صورت بگیرد. سعی و اهتمام اصلی ما در کنار هم گذاشتن این متون به شکلی است که در پایان فصل، نتیجه‌ای که گرفته می‌شود، عنوان پیشنهادی آن فصل را اثبات کند و یا سؤالی را که در جامعه، پیرامون آن موضوع است را جواب دهد و یا حد اقل منبع پردازش سخنرانی یا مقاله‌ای برای حل آن سؤال باشد. انتخاب این متون به شکلی است که ما معیارهای سندی و محتوایی را در مورد آن به کار می‌بریم. یعنی هم از ضوابط نقد سندی استفاده می‌کنیم، هم از معیارهای نقد محتوایی و نقد تاریخی سود می‌بریم. این کار، بسیار وقت‌گیر، ولی در متون تاریخی و حدیثی لازم و ضروری است. سعی اصلی ما در موسوعه این است که زندگی‌نامه، اصل قرار گیرد و سخنان، به صورت یک بخش مستقل عرضه شود. موسوعه امام حسین (ع) که البته هنوز تدوین نهایی پیدا نکرده و ممکن است که تغییر پیدا کند، دارای این بخشهاست: تبار امام حسین (ع)، که امام از خانواده‌ای کریم و از قریش هستند که برترین قبیله عرب است؛ چگونگی تولد حضرت؛ دعاهایی که جد و پدر و مادر بزرگوارشان داشتند و آقای رفیعی به درستی اشاره فرمودند که در زمینه کودکی حضرت، نوشته عرضه شده، کم داریم و - ان شاء الله - بتوانیم با توفیقات الهی این خلاء را تا حدودی پر کنیم؛ مشخصات ظاهری، سیره و شمایل حضرت؛ ازدواج و فرزندان ایشان؛ سخنان پیامبر اسلام (ص) در خصوص ایشان؛ روابط ایشان با پیامبر و پدر و مادر و برادرشان؛ امام حسین (ع) در دوران خلفای راشدین، که می‌توان گفت نقطه مبهمی در تاریخ است و کمتر نورافکن‌هایی بر این قسمت انداخته شده است؛ دوران حکومت امیرالمؤمنین (ع) که حضرت در جنگ‌های پدرشان مانند جنگ جمل و صفین شرکتی شجاعانه داشتند که روی این موارد، در تاریخ تکیه زیادی نشده است؛ پس از پدر، دورانی که در امامت امام حسن (ع) می‌گذشت و نامه‌ها و برخوردهایی که با معاویه داشتند؛ قیام امام حسین (ع)؛ پیامدها و بازتاب‌هایی که پس از قیام امام حسین (ع) است و شورش‌هایی که در کوفه و عراق اتفاق می‌افتد و ما آن را به نحوی مرتبط با موسوعه می‌دانیم و - ان شاء الله - کار را عرضه می‌کنیم. تا

به این جا ترتیب تاریخی دارد و از این جا به بعد، ترتیب غیرتاریخی است: فضایل و خصلت‌های امام حسین(ع)؛ فضایل گریه و عزاداری بر امام حسین(ع)؛ اقامه عزا و ماتم برای امام حسین(ع)؛ پیشینه عزاداری؛ گزیده‌ای از مراثی و برخی از اشعاری که شاعران ایرانی و عرب سروده‌اند. در دائرةالمعارف الحسینیه این مشکل وجود دارد که ترتیب تاریخی میان اشعار ملاحظه نمی‌شود. ما سعی بر آن داریم که مانند موسوعه امام علی(ع)، اشعار را بر حسب قرن مرتب کنیم. البته اشعار به صورت گزینشی می‌آید، چون واقعاً مرثیه‌ها و سوگنامه‌ها به حدی فراوان است که اگر ما آنها را در کتاب بیاوریم، همان طور که اشاره فرمودند، کتاب از امکان خریداری نوع خوانندگان خارج می‌شود. ما هم چنین خطبه‌ها، دعاها و مناجات‌ها، جملات و کلمات قصار ایشان را هم عرضه می‌داریم. تقریباً می‌توان گفت موسوعه کلمات امام حسین(ع) را هم در این جا تشکیل می‌دهیم. جالب است که ما جدیداً در حال تتبع بخشی هستیم - البته نمی‌دانم که عرضه آن، به چه شکلی انجام شود - و آن مخلوشات است. یعنی متونی که نامعتبر هستند، روضه‌هایی که ساخته شده‌اند و برخی از چیزهایی که ساحت پاک نهضت و حماسه حسینی را غبارآلود کرده‌اند. ما اینها را جمع‌آوری کرده‌ایم و ان شاء الله پس از گذراندن صافی نقد، عرضه خواهیم کرد. در موسوعه امام حسین(ع) علاوه بر متون اصلی و مواد خام، ما در حدود ۹۰ تا ۱۰۰ تحلیل و بیان داریم که نیمی از آن در دارالحدیث تهیه می‌شود و نیم دیگری توسط محققان عزیز حوزه و دانشگاه که سرپرستی، هدایت و نظارت این بخش بر عهده دوست عزیزمان، آقای اسفندیاری است. در واقع ما می‌توانیم بگوییم که موسوعه، بستری برای هدایت کوششهای فکری کسانی است که در این وادی کوشیده‌اند. اما در مورد شیوه پاسخ‌گویی و شیوه تدوین این موسوعه، ما از دو شیوه سود می‌بریم، یکی کار گروهی و دیگری ابزارهای نوین مانند رایانه است. در شیوه کار گروهی ما شیوه هرمی را انتخاب کرده‌ایم، به این معنا که گروه‌های متعددی، احادیث و متون را جمع‌آوری می‌کنند و در نهایت با رده‌بندی خاصی به یک شخص که همان مؤلف کتاب، جناب حجه‌الاسلام و المسلمین آقای ری‌شهری است، می‌رسد. ایشان تک تک متون را نظارت می‌کنند. گرچه این کار وقت‌گیر خواهد بود و مقداری تدوین موسوعه را به عقب می‌اندازد، اما چون یک نفر همه موارد را می‌بیند، از دقت و انسجام بیشتری برخوردار است و این برای جلوگیری از نقصی است که گاه در بعضی از دائرةالمعارفها مشاهده می‌شود. اما استفاده از ابزارهای نوین، به جهت سرعت کار و رشد مراجعه، مثل این که در مواردی ما به سه یا چهار منبع مشابه مراجعه داشتیم، ناگزیر باید از رایانه استفاده می‌کردیم. تمام ده نفر محقق همکار این موسوعه، با کامپیوتر آشنا هستند و به خوبی از آن استفاده می‌کنند. هم چنین ما از روشهای فهرست‌برداری، نمایه‌سازی برای سهولت مراجعه به کتب مرجع، به طور کامل استفاده می‌کنیم. البته نتیجه کار باید مورد قضاوت شما عزیزان قرار گیرد. من آماده هستم که از فرمایشات شما استفاده کنم و اگر اشکالاتی در موسوعه امام حسین(ع) یا موسوعه امام علی(ع) هست، پاسخ گو و یا احتمالاً پذیرنده باشیم.

\* آقای اسفندیاری: بحث بعدی که آخرین بحث درباره

دائرةالمعارف‌نگاری در مورد امام حسین(ع) است، مدخلهای مربوط به امام حسین(ع) در دائرةالمعارف‌های عمومی و اسلامی است. معمولاً در دائرةالمعارفها در حرف الف، ذیل عنوان امام و یا در حرف "ح" مدخل ویژه امام حسین(ع) است و در دائرةالمعارفها، شرح حال آن حضرت آمده و مدخل‌های مرتبط به آن حضرت در دائرةالمعارفها فراوان است. آقای رفیعی عهده‌دار بحث در این مورد هستند.

\* آقای رفیعی: ابتدا اشاره‌ای مختصر در پیدایش کلمه موسوعه می‌کنم. پس از نوشته شدن دائرةالمعارف بطوروس غالی در لبنان و بعد از آن دائرةالمعارف فؤاد افرام، چون برای اولین بار بود که کلمه دائرةالمعارف، به عنوان برابر "انسیکلوپدیا"، وارد حوزه جهان عرب و اسلام می‌شد، عرب‌ها به فکر افتادند که به جای کلمه دائرةالمعارف، اصطلاحی را خود بسازند و آن اصطلاح، "موسوعه" بود. آنان در واقع می‌خواستند با این کلمه، جایگزینی برای کلمه دائرةالمعارف پیدا کنند و کلمه موسوعه پس از کلمه دائرةالمعارف، وارد فرهنگ عربی و حتی ایران شد. اما در مورد امام حسین(ع) و عاشورا و اصحاب و یاران امام و حوادث و اتفاقات مربوط در دائرةالمعارف‌های جهان، با توجه به وقت کمی که داشتیم، فقط توانستیم دو تا سه دائرةالمعارف را مطالعه کنیم. ولی همین چند مورد نیز می‌تواند برای این که به چه اندازه نسبت به امام حسین(ع) و یاران آن حضرت و حادثه عاشورا بحث شده است، نمونه‌ای برای قضاوت باشد. دائرةالمعارف اسلام، در اروپا تهیه شده و به سه زبان انگلیسی، فرانسوی و آلمانی منتشر شده و در جهان اسلام به عربی، اردو و بخشی از آن به فارسی ترجمه شده است. ترجمه عربی دائرةالمعارف که در مصر انجام گرفته، در ۱۵ جلد و تا آغاز حرف "عین" است. در این ۱۵ جلد ترجمه، ۵ عنوان داریم که مستقیماً به امام حسین(ع) مربوط نیست اما مربوط به اهل بیت است یا قسمتی از آن به امام برمی‌گردد. عنوان اولین مقاله "ابومخنف"، مدخل‌نگار و حادثه‌نگار عاشورا است که بسیار مختصر و کوتاه می‌باشد و از مقتل هم نامی نبرده، فقط در مورد ایشان گفته است که وی تاریخ‌نگار بوده و مسائل تاریخی را که ذکر کرده در تاریخ طبری آمده است. دومین مقاله، "اثنی عشریه" است که فقط به نام امام حسین(ع) در ردیف نام امام حسن(ع) و بقیه ائمه اشاره کرده است. سومین مقاله، "اهل بیت" است؛ مقاله‌ای بسیار کوتاه، در پاراگرافی بسیار کوتاه. مقاله چهارم "اهل الکساء" است که در یک پاراگراف چهار سطری از یک ستون آمده است. پنجمین مقاله، مقاله "حسن بن علی بن ابیطالب" در جلد ۷ صفحه ۴۰۰ تا ۴۰۷ در چهار ستون در سه صفحه با حواشی که مترجمین اضافه کرده‌اند، سراسر مغرضانه است. نویسنده آن، کشیش مسیحی است و جالب است که در کل دائرةالمعارف، آن چه مربوط به ائمه و امام حسین(ع) و مسائل شیعی است، این شخص مسیحی و یا چند نفر دیگر غیر از او نوشته‌اند. نام این شخص مسیحی، لامنس است که بسیار فرد مغرض به خصوص نسبت به شیعه می‌باشد. در مقاله امام حسن(ع)، بسیار به امام اهانت کرده و او را فردی عیاش و لذت طلب معرفی کرده، البته مترجم مقاله در پاورقی توضیحاتی داده است، البته به عنوان یک سنی نه به عنوان یک شیعه. اما مقالاتی که مستقیماً به امام



حسین(ع) و حادثه عاشورا مربوط می‌شود، ۶ مورد است. یکی "تعزیه" در ۹ ستون در ۵ صفحه، که منابع آن همگی از مستشرقین است و هیچ منبعی از مسلمانان ندارد. دومین مقاله، مقاله "حسین بن علی" است که راجع به شخص امام حسین(ع) است. سومین مقاله بخشی است از مقاله "اشرفیه" یا حسینیه، گروهی که طرفدار مختار بودند و به خون‌خواهی امام حسین(ع) قیام کردند. چهارمین مقاله، "سکینه بنت الحسین"، مقاله نسبتاً مفصلی است که مستشرقین آن را نوشته‌اند. پنجمین مقاله، ذیل کلمه شهید، اشاراتی به حادثه عاشورا و شهادت امام حسین(ع) دارد و بالاخره ششمین مقاله، مقاله "شیعه" است. البته وعده داده که در مقاله "محرم" و در مقاله "کربلا" دوباره به این مسئله خواهد پرداخت. به هر حال آن چه که فعلاً در این ۱۵ جلد هست، همین است. مقاله‌ای که راجع به امام حسین(ع) نوشته شده، نسبت به مقالاتی که راجع به افراد عادی نوشته می‌شود، مقاله بسیار مختصری است. در همین مقاله کوتاه، بسیار به امام حسین(ع) اهانت کرده و هم نسبت به امام علی(ع) لحن اهانت آمیزی داشته است. اولاً امام علی(ع) را فردی که لایق نبوده و از هوش، ذکاوت، جسارت و متانت، بهره‌ای نداشته معرفی کرده است. پس از آن می‌گوید: علی همیشه در رابطه با مسائل مختلف زندگی و اسلام در تردید بود و حسین که پسر اوست این دو صفت را از پدر به ارث برد، این ترجمه الفاظی است که در این مقاله آمده است. بعد از آن به حادثه عاشورا پرداخته است و این که حضرت با یزید بیعت نکرد، البته از یزید و معاویه بسیار محترمانه نام می‌برد و تا آنجا که می‌توانسته واقعه عاشورا را بسیار کم‌رنگ جلوه داده است. آن

محمد اسفندیاری :

ویرایش دوم دایره‌المعارف اسلام در سال ۱۹۵۰ منتشر شده و مطالب آن دگرگون شده است. اما در ویرایش اول آن مطالب زهرآگینی در مورد امام حسین(ع) و تشیع موجود است. نویسنده این مقالات نیز هنری لامنس، کشیش بلژیکی بسیار بسیار متعصب بر ضد اسلام و شیعه است



اشاراتی که آقای مسعودی راجع به شجاعت امام حسین(ع) در جنگهای مربوط به پدرش مانند جنگ صفین نشان می‌دهد، داشتند، وارونه جلوه می‌دهد و می‌گوید که حسین در آن جنگها حضور داشت ولی از خودش هیچ شجاعتی نشان نداد و این شجاعتی هم که شیعیان در روز عاشورا و جنگ بین او و سپاهیان یزید، به آن اعتقاد دارند، ما از او سراغ نداریم! این کل مقاله‌ای است که این آقا در مورد امام حسین(ع) در دایره‌المعارف اسلام نوشته است؛ خوب، البته انتظار نمی‌توان داشت، چون گفتیم که نویسنده بسیار مغرض است، ولی می‌توان این انتظار را داشت که دایره‌المعارفی که به نام اسلام در می‌آید، در ۱۵ جلد آن فقط ۱۱ عنوان راجع به امام حسین(ع) و اهل بیت است که آن هم عرض کردم مغرضانه، کمی بیشتر انصاف داشته باشد. در دایره‌المعارفهای دیگری که در طول تاریخ نوشته شده و حتی ترجمه‌های انجام گرفته چه اردو و چه ترکی و حتی فارسی که در ۱۱ شماره چاپ شده است، نیز این مسئله را کم‌رنگ می‌بینم. تنها دایره‌المعارفی که به طور مفصل در

مورد عاشورا، امام حسین(ع) و یارانش و مسایل جغرافیایی و حوادث پس از عاشورا و پیش از عاشورا اشاره کرده است، دایره‌المعارف تشیع است که تاکنون ۹ جلد آن منتشر شده است. در جلد اول این دایره‌المعارف، ۲۹ مورد راجع به امام حسین(ع) است، در جلد دوم ۳۲ مورد، در جلد سوم ۴۰ مورد و همین طور در مجلدات دیگر نیز از بین ۳۰ تا ۵۰ مورد، در حال نوسان است. در دایره‌المعارف بزرگ اسلامی که یکی از دایره‌المعارف‌های بزرگ و معروف است و در حال حاضر منتشر می‌شود، متأسفانه مطالب راجع به امام حسین(ع) کم است و بیشتر در جلد‌های آغازین آمده است، برای مثال در جلد اول، راجع به "آل ابی طالب" است که اشاراتی کوتاه به نام امام حسین(ع) دارد. در جلد دوم سه مقاله "آل عبا"، "ابن زیاد" و "ابن سعد". این سه، هیچ کدام مستقیماً به امام مربوط نیست و فقط با امام ارتباط دارد. ولی راجع به اصحاب و یاران و حتی باب الحوائج یا حضرت ابوالفضل(ع)، هیچ مقاله‌ای در این دایره‌المعارف دیده نمی‌شود! هم چنین در دانشنامه جهان اسلام! این دایره‌المعارفها در مرکز جهان شیعه، یعنی تهران و با پول شیعه منتشر می‌شوند. در دانشنامه جهان اسلام در جلد دوم، در مورد یکی از اصحاب امام که در کربلا شهید شده است، یک مقاله داریم. دومین مقاله نیز راجع به شخصی صحبت می‌کند که با این که جزو اصحاب حضرت علی(ع) و پیامبر بوده است با امام حسین(ع) به کربلا نرفت. در جلد ۳ و ۴ هیچ مسئله‌ای در مورد امام و حادثه عاشورا وجود ندارد. در جلد ۵ در باره "بی‌بی شهربانو" و بقعه بی‌بی شهربانو که همسر امام می‌باشد و در نزدیکی تهران است، مطالبی را ذکر کرده است. مقاله دوم، "پرده‌خوانی" است که بسیار کوتاه، به امام حسین(ع) پرداخته است. بالاخره مقاله "پنج تن" و مقاله "پیش‌خوانی" که در مجموع چهار مقاله در جلد پنجم راجع به امام حسین(ع) داریم. در جلد ۶، تاسوعا به صورت ارجاعی به "عاشورا" آمده است، یعنی ذیل آن، مقاله‌ای وجود ندارد! می‌توان راجع به تاسوعا و حوادث مهمی که در روز تاسوعا و شب آن انجام گرفته است، مقاله مفصلی نوشت و مقاله‌ای راجع به تربت، یعنی در این ۶ جلد دانشنامه جهان اسلام که بیرون آمده است، ۸ مقاله داریم که ۶ تا از آن مقالات، مستقیماً به امام و ۲ تا از آنها غیرمستقیم به امام حسین(ع) مربوط است. البته جای تأسف دارد و ما باید منتظر شویم تا مجلدات بعدی این دایره‌المعارفها بیرون بیاید، اینها هنوز در آغاز راه هستند. اساتیدی که جزو شوراهای علمی این دایره‌المعارفها هستند، در این جا حضور دارند و مطرح می‌کنند که به این مسئله، بیشتر پرداخته شود. ما میراث‌خوار امام حسین(ع) هستیم و هر چه داریم از اوست و تاریخ، زندگی و وجود ما مدیون امام است. اعتقادات ما مدیون واقعه عاشورا است. به نظر من دایره‌المعارف بزرگ اسلامی و دانشنامه جهان اسلام باید تجدید نظری در نگاهشان به حادثه عاشورا و مسائل اهل بیت داشته باشند.

\* آقای اسفندیاری: در مورد مطالبی که آقای رفیعی در باره دایره‌المعارف جهان اسلام دادند، من لازم می‌دانم که توضیح بیشتری دهم. دایره‌المعارف اسلام، چاپ اروپا در سال ۱۹۱۳ تا ۱۹۳۸ در چهار جلد منتشر شد که یک جلد متمم داشت و جمعاً پنج جلد می‌شود. ویرایش دوم آن در سال ۱۹۵۰ منتشر شده و مطالب آن دگرگون شده





است. اما در ویرایش اول، همان طور که آقای رفیعی اشاره فرمودند، مطالب زهرآگینی در مورد امام حسین (ع) و تشیع موجود است. نویسنده این مقالات نیز هنری لامنس، کشیش بلژیکی بسیار بسیار متعصب بر ضد اسلام و شیعه است. خود او کتابی در مورد خلافت معاویه و کتاب دیگری در مورد خلافت یزید نوشته و این دو را تبرئه کرده است. اهانت‌های بسیار بی‌شرمانه‌ای در این چند جلد به امام حسن(ع) و امام حسین(ع) کرده است و قهرمانیها و شجاعت‌های آن حضرات را متعلق به افسانه‌های شیعیان می‌داند. اتفاقاً هنری لامنس هنگامی درگذشت که مرحوم علامه محمد قزوینی زنده بود. آن علامه بزرگوار، دفتری تحت عنوان رفیعان معاصرین داشتند که هر یک از معاصرین در می‌گذشتند، شرح حالی از او می‌نوشتند. ایشان ذیل همین عنوان که در یادداشتها هم چاپ شده، تقریباً در حد یک صفحه در مورد هنری لامنس می‌نویسند و از تعصب این مرد، بسیار تأسف می‌خورد و اشاره به مقالاتش می‌کند. او می‌گوید مقالاتی که ایشان در دائره‌المعارف اسلام نوشته است، حجاج را تبرئه کرده و او را مردی عادل معرفی کرده است و می‌گوید آن چه که مورخان در مورد او گفته‌اند، دروغ گفته‌اند! حال اگر مورخان در مورد ایشان دروغ گفته‌اند، پس شما از کجا دانسته‌اید؟ تاریخ، علمی نقلی است و ما باید بدانیم که مورخان پیشین چه گفته‌اند. البته در ویرایش دوم دائره‌المعارف اسلام که از سال ۱۹۵۰ منتشر شده است، مقالات خیلی دگرگون شده و مقالات هنری لامنس را حذف کرده‌اند و مقالات دیگری جایگزین شده است. دائره‌المعارف‌های دیگری که در کشور ما منتشر می‌شود، کم و بیش به امام حسین(ع) پرداخته‌اند، اما بیش از همه و بهتر از همه، همان طور که آقای رفیعی اشاره کردند، مقالاتی است که دائره‌المعارف تشیع نوشته است. با این که دائره‌المعارف تشیع از لحاظ بنیه علمی و بنیه مالی ضعیفتر از دائره‌المعارف‌های دیگر است، اما جلد اولش که با جدیت و امکانات بیشتری منتشر شده و مرحوم پرفسور عباس زریاب خوبی هم در قید حیات بود، قوی‌تر است. از ابتکارانی که دائره‌المعارف تشیع به خرج داد، این بود که شرح حال ائمه را در مجلدات دائره‌المعارف، پراکنده نکرد و همه را در ذیل واژه «امامت» آورد و مقالات خوبی از آقای عباس

زریاب خوبی در آن جا هست و کلاً مقالات مربوط به ائمه الطاهرین را بیشتر ایشان می‌نوشت. در دائره‌المعارف‌های دیگر، کم و بیش به امام پرداخته شده است اما جا دارد که مثلاً مقاله تاسوعا که آقای رفیعی فرمودند، مدخل ارجاعی شده است، مدخل اصلی می‌شد؛ تاسوعا خود مدخلیت دارد و در تاسوعا بسیاری از حوادث بوده و جا داشت که یک مدخل اصلی به آن بدهند نه یک مدخل ارجاعی! در این باره از آقای دکتر تبرائیان که از اعضای دائره‌المعارف بزرگ اسلامی هستند و با دائره‌المعارفها همکاری می‌کنند، تقاضا داریم که توضیحاتی بفرمایند.

**\* آقای تبرائیان:** در آستانه ایام شهادت سالار شهیدان هستیم که بنده خدمت برادران عزیز تسلیت عرض می‌کنم و واقعاً از این اهتمایی که سردبیر محترم کتاب ماه کلیات، جناب آقای سمیعی به خصوص در سال عزت و افتخار حسینی انجام دادند و چنین میزگردی در باره حضرت امام حسین(ع) و قیام مقدس حسینی و آثاری که در این زمینه کار و پژوهش شده، برگزار کردند، باید تشکر کرد. البته یقین دارم که هر مؤسسه یا فردی، هر قلمی بزند و یا هر قدمی بردارد، ماجور است. چون برادر عزیزیمان آقای رفیعی اشاره‌ای به مدخل امام حسین(ع) داشتند و می‌خواستند که بازگو شود، من هم پیشنهاد به جای جنابعالی را منعکس خواهم کرد، ضمن اینکه جنابعالی هم جزو مدیران هستید و این یادآوری از سوی شما نیز نافع خواهد بود.

**\* آقای اسفندیاری:** بحث بعدی بایسته‌های پژوهشی در مورد امام حسین(ع) است. با توجه به این که آقای صاحبی در این مورد کار کرده‌اند و سالها پیش کتابی تحت عنوان مقتل الشمس از ایشان منتشر شده است. همیشه در باره مقتل الامام یا مقتل الحسین، کتابهای متعددی داشتیم، اما ایشان تعبیر شاعرانه و ادبی را وارد بحث مدخل‌نگاری کردند. من می‌خواستم نظر شما را در مقتل‌نگاری و پیشینه مقتل‌نگاری و نقاط ضعف و قوت مقاتل بدانم و این که کدام مقتل را می‌توان به عنوان مرجع انتخاب کرد؟ آیا مقتلی که مورد قبول همه باشد، داریم؟ باید برای امام حسین(ع) با چه زاویه دیدی به این واقعه نگاه کنیم؟ بایسته‌های پژوهشی، به تعبیر امروزی، چیست؟ و در چه زمینه‌ای خلاء وجود دارد؟





\* آقای صاحبی: بهترین و خالصانه‌ترین درودها و سلامهای خود را نثار ارواح تابناک شهیدان کربلا، مخصوصاً سالار شهیدان، حضرت اباعبدالله الحسین(ع) می‌کنم. در رابطه با مقتل نگاری، بحثهای مفصلی پیش از این مطرح شده و از رسانه‌های جمعی نیز منعکس شده است. به نظر می‌رسد که آغاز مقتل نگاری از ابی مخنف، لوط ابن یحیی شروع شده باشد. البته مقتلی را به هشام کلبی نسبت می‌دهند، این دو مقتل قدیمیترین مقاتلی است که در رابطه با واقعه کربلا و حضرت اباعبدالله الحسین(ع) نگارش شده است. اصل این دو مقتل موجود نیست. ما کتاب مستقلی به نام مقتل ابی مخنف و یا مقتل هشام کلبی در اختیار نداریم. آن چه که مورخان به آن استناد کرده‌اند، روایت طبری است. طبری در تاریخ خود، به این دو مقتل، خصوصاً به روایت ابی مخنف، بسیار استناد کرده است. مجموعه روایات ابی مخنف را بعدها در کتاب مستقلی تحت عنوان مقتل ابی مخنف جمع‌آوری کردند. مقتلی هم تحت همین عنوان از دیرباز مستقلاً منتشر شده و به زبان فارسی ترجمه شده است، ولی بین آن چه که در این مقتل وجود دارد و منسوب به ابی مخنف است با آن چه که طبری در تاریخ خود نقل کرده است، تفاوتی بسیاری وجود دارد و لذا نمی‌توان این را به عنوان مقتل ابی مخنف تلقی کرد. روایات ابی مخنف و هشام کلبی در تاریخ طبری و پس از آن در کتابهایی مثل تجارب الامم، تذکره رازی، اخبار الطوال دینوری و هم‌چنین ارشاد شیخ مفید وجود دارد و می‌توان گفت که ما در قرن ۶ و ۷، اختلافی در حادثه کربلا در متون و نصوص روایی و حدیثی نمی‌بینیم. این یکی از امتیازات حادثه کربلاست و با این که دستهای



محمد جواد صاحبی:

به نظر می‌رسد که کار محققانه‌ای بعد از صفویه تا زمان قاجاریه در مسئله مقتل اباعبدالله صورت نگرفته است مگر در زمان قاجاریه، که فرهاد میرزا در کتاب قمع‌خار تتبع زیادی انجام داده و کار محققانه‌ای را فراهم کرده است

ابن اعصم بیان کرده است، نقل نکرده است. البته بعضی از آن چه که در لیهوف و در فتوح ابن اعصم وجود دارد، در کتابهای شیخ صدوق دیده می‌شود، یعنی این که گویا ما دو منبع در مورد حادثه عاشورا داریم که یکی از ابی مخنف شروع می‌شود و هشام کلبی و در کتابهای طبری و پس از آن در بلاذری و در تجارب الامم نقل می‌شود تا به ارشاد شیخ مفید و یکی از شیخ صدوق و فتوح ابن اعصم و سپس در لیهوف سید طاوس می‌بینیم. مجموعه روایاتی که در این دو کتاب است در کتابهایی مثل محفل خوارزمی و نظایر آن تألیف شده است. تا قرن ۹ و ۱۰ تقریباً این روایات محدود و معدود است و اختلاف فاحشی هم بین آنها دیده نمی‌شود. اما به قرن ۹ و ۱۰ که می‌رسیم خصوصاً در زمان صفویه، خصوصاً با نگارش کتابهایی مثل کتاب مرحوم کاشفی و کتاب مرحوم دربندی و ناسخ التواریخ، روایات ضعیف به منابع، راه پیدا می‌کند و اختلافات از آن جا رو به فزونی می‌رود. به نظر می‌رسد که کار محققانه‌ای بعد از صفویه تا زمان قاجاریه در مسئله مقتل اباعبدالله صورت نگرفته است مگر در زمان قاجاریه، که فرهاد میرزا در کتاب قمع‌خار زخار تتبع زیادی انجام داده و کار محققانه‌ای را فراهم کرده است، هر چند ما روایات ضعیفی در آن جا مشاهده می‌کنیم، اما به هر حال کار، با تتبع بسیار فراهم آمده است. آن چه که در مقتل نگاری معاصر، سبب اختلاف و یا دامن زدن به روایات ضعیف شده است، اعتماد به نصوص و متون اخیر، به خصوص پس از صفویه است. ما همه می‌دانیم که بحار الانوار مجموعه‌ای ذی‌قیمت است، اما آیا تمام روایاتی که در بحار آمده است، قابل اعتماد است؟ مسلماً این طور نیست و مرحوم مجلسی، آن جا در صدد گردآوری روایات بوده است و صحت آن روایات، بایستی با روشهای علمی سنجیده شود. متأسفانه به نقلهای بحار یا مقتل عوالم و یا مقتل دربندی، روضه الشهدای کاشفی اعتماد می‌شود و از اینها نقل می‌شود. همین طور آن چه را که گویندگان مذهبی مخصوصاً مداحان اهل البیت عرض کردند، گاهی به صورت مکتوب در آمده و به آنها استناد شده است. از این رو باید آن چه که در مورد حضرت اباعبدالله الحسین(ع) نگارش می‌شود، با دقت بیشتری مورد مطالعه و نقد قرار گیرد. از نگاه‌های مختلفی به عاشورا نگاه شده است ولی آن چه مورد غفلت واقع شده، نگاهی به خودکامگی و خشونت عصر حضرت بوده است. من فکر می‌کنم که یکی از انگیزه‌های مهم آن حضرت در قیامش، مقابله با این روحیه و اندیشه است. برای این که خشونت جاهلی که زایده نظام قبیله‌ای و جاهلی بوده، عرصه را برای همه آزاد اندیشان و خصوصاً موحدان تنگ کرده و بعثت خود پیامبر(ص) بیشتر برای تصحیح این روحیه بوده است. چنان که مشاهده می‌شود، رسول اکرم تلاش بسیاری در نهضت خود می‌کند که جامعه را به هنجارهایی دعوت کند. یکی از این هنجارها پرهیز از خشونت و خودکامگی است. یکی از اساسی‌ترین و محوریت‌ترین کارهایی که حضرت اباعبدالله(ع) نیز می‌خواسته انجام دهد، این است که جامعه را از ارزشهای جاهلی و خودکامگی نجات دهد. حضرت از ابتدای قیام، در همه جا، مسئله گفتگو، مشاوره و مشورت را به طور صریح و آشکار مطرح می‌کند. از مدینه، مذاکره با ولید و مروان شروع می‌شود تا زمانی که از مدینه به سوی مکه هجرت کند. در آن جا نیز با اقوام خود، اعم از زن و مرد

فراوانی در تحریف حادثه عاشورا فعال بودند، مانند حکام اموی و کسانی که منافع خودشان را در برابر نهضت و حماسه حسینی در خطر می‌دیدند، اما اختلافات فاحشی وجود ندارد. چند متن وجود دارد که اضافه بر آن چه ابی مخنف و یا طبری از طریق ابی مخنف و یا هشام کلبی نقل کرده است و در کتابهای تجارب الامم و اخبار الطوال، راه یافته است، نقلهای دیگری را مطرح کردند، از جمله لیهوف سید طاوس است که از مقاتلی است که از دیرباز مورد توجه بوده و این مقتل را وعاظ و منبرها در مجالس قرائت می‌کردند و البته مقتل سنجیده، موجز و نسبتاً منقحی است. بحث در این جاست که منبع و مأخذ روایاتی که سید طاوس آورده، کجاست؟ قدیمیترین منبع و مأخذی که در لیهوف و یا به روایتی ملهوف آمده، کتاب تاریخ فتوح ابن اعصم است. ما آن چه را که سید طاوس در لیهوف خود آورده است، پیش از آن، در فتوح ابن اعصم می‌بینیم، گویا سید طاوس بخشی از فتوح ابن اعصم را تلخیص کرده است. من فکر می‌کنم که سید چیزی وراوی آن چه که در فتوح

مشورت می‌کند. مذاکره با محمد حنفیه، ام سلمه و... تا مکه که با عبدالله بن زبیر و عبدالله بن عمر، با همه به گفتگو و بحث می‌نشیند و هیچ کدام از اقربا و نزدیکان خود را ناراحت نمی‌کند. این بسیار مهم است که اغلب این افراد، نظری مخالف امام داشتند و امام تمام نظرات ایشان را گوش و تحمل می‌کند و بدون این که آنها را ناراحت کند، از همه تشکر می‌کند. عجیب است که امام با مخالفین و دشمنان خود مذاکره می‌کند و از هیچ مذاکره‌ای روی گردان نیست، حتی حضرت با ابن سعد هم مذاکره می‌کند یا در روز عاشورا با دشمنان خود مذاکره کرده و این نشان‌دهنده این است که حضرت به فرهنگ گفتمان و رواج فرهنگ مذاکره عنایت خاصی داشته است. برای افراد، شخصیت قائل می‌شود، حرفهای آنان را هر چند مخالف خود باشد گوش می‌دهد و تحمل می‌کند و برای آنان دعای خیر می‌کند. در این مورد نقلهای بسیاری است که اگر فرصت بود، بازگو می‌کردم. حتی رفتار عاطفی ایشان با خاندان و یاران خود، نشان‌دهنده این است که حضرت احساس می‌کند که فرهنگ خشونت و جاهلیت دوباره احیا شده است و قصد دارد که جامعه را به آن هنجارهایی که پیامبر اکرم آنها را تعقیب می‌کرده است، بکشانند. ممکن است این زاویه بحث تا حدودی جدید باشد و احساس من این است که بخش عمده‌ای از حرکت حضرت اباعبدالله در قیام عاشورا، برگرداندن جامعه به هنجارهایی بود که پیامبر به آنها ترغیب می‌کرد و پیشگیری از خودکامگی و خشونت جاهلی. شاید این بحث از این منظر به طور مستقل تعقیب نشده باشد.

**\* آقای اسفندیاری:** من در تکمله فرمایشات آقای صاحبی و در تأیید نکات ارزنده‌ای که ایشان اشاره فرمودند، نکاتی را عرض می‌کنم. در یونان خطبه‌ای از سقراط به یادگار مانده است که به آن آپولوژی گویند، که خطابه دفاعی سقراط است. آپولوژی به زبان یونانی، همان خطابه دفاعی یا جدل است. کمتر زبانی می‌توان یافت که درباره آپولوژی سقراط، شرح و توضیح نوشته باشند و ترجمه نکرده باشند. یعنی به عنوان یک متن علمی و سیاسی نگاه کرده‌اند که سقراط چه می‌گوید. این زاویه دید که عده‌ای به سقراط و به آپولوژی ایشان داشتند، ما باید این زاویه‌های دید را نسبت به خطابه‌های امام حسین(ع) داشته باشیم. یعنی این خطابه‌ها، خیلی دقیق به عنوان یک مرجع علمی و سیاسی برای ما سخن می‌گوید. برخی از امام حسین(ع) به گونه‌ای سخن می‌گویند که انگار یک سناریوی از قبل تنظیم شده‌ای بوده است و امام طبق آن سناریو حرکت کرده و به جلو رفته است. حال، آیا این می‌تواند برای ما الگو و اسوه باشد؟ نه! آن زاویه دید با این فرق می‌کند که ما ببینیم و در خطابه‌های امام حسین(ع) دقت کنیم و ببینیم که ما چه درسهای علمی و سیاسی از ایشان می‌آموزیم و خطابه‌های آن، قطعاً مطالب بیشتری از آپولوژی سقراط دارد. اما موضوع دیگری که ما می‌خواهیم به آن بپردازیم، می‌دانید که جامعه ما در نوسان سنت و مدرنیسم، هر دو بسر می‌برد. از یک طرف ما هزاران هزار نسخه خطی در کشور و جهان اسلام داریم که مخطوط مانده و پس از گذشت قرن‌ها از صنعت چاپ، هنوز چاپ نشده است و از طرفی دیگر نرم افزار و اینترنت و سی‌دی‌های گوناگون و از امکانات دنیای جدید استفاده می‌کنیم. بحث سنت را آقای صدرایی خوبی و بحث مدرنیسم را به

آقای سمیعی واگذار می‌کنیم. درباره امام حسین(ع) شاید بتوان گفت که صدها بلکه هزاران رساله و کتاب است که در لابه‌لای کتابخانه‌های ایران و خارج از ایران مانده است و ظاهراً هیچ استقصایی نمی‌توان کرد. آقای صدرایی در تصحیح و تحقیق و انتشار نسخ خطی در مورد امام حسین(ع) و ضرورت آن، اگر نکاتی دارید، بفرمایید.

**\* آقای صدرایی:** بحثی که سروران فرمودند و ما از آن بهره‌مند شدیم، مسئله موسوعه‌نگاری در مورد امام حسین(ع) بود. نسخه‌های خطی به عنوان مواد اولیه برای این موسوعه‌ها و مطالبی که در این دائره‌المعارفها نگاشته می‌شود، تلقی می‌شود و بدون استفاده و بهره‌مندی از این منابع، هر موسوعه و یا دائره‌المعارفی که نگاشته شود، قطعاً به کمال مطلوب نمی‌رسد. متأسفانه در زمینه تصحیح نسخه‌های خطی تا به حال هیچ طرحی که به طور کلی نسخه‌های خطی موجود در یک رشته را مورد پژوهش و استقصا قرار دهد، انجام نشده است. نسخه‌هایی به صورت پراکنده در رشته‌های مختلف تصحیح شده است و مصححان بر اساس ذوقشان، کتابی را از میان انواع مختلف کتابها انتخاب کرده و شروع به تصحیح و تحقیق کردند. چه بسا که در آن رشته، نسخه‌ها و کتابهای مهمتری بوده است که هم‌چنان در لابه‌لای کتابخانه‌ها به صورت خطی باقی مانده است. در موضوع امام حسین(ع) نیز مسئله به همین نحو است. متونی که تصحیح و تحقیق شده، این طور نیست که این متون و یا نسخه‌هایی که استفاده شده، نسخه‌های ممتازی باشد یا کتابهایی باشد که ما بهتر از آنها نداشته باشیم، بلکه به ذوق و انتخاب محققان بوده است. مثلاً مقتلی که اساس مقاتل است و مورد نقد است، روضه‌الشهدا است. روضه‌الشهدا در میان نسخه‌های خطی ما، نسخه‌های فراوانی دارد و عجیب است که این نسخه‌ها اختلاف زیادی دارند. تا کنون ما یک نسخه مصحح که از روی چند نسخه معتبر از این کتاب، تصحیح شده باشد، نداریم. نوعاً نسخه خطی، مبنای کار مصححان نبوده است و از روی چاپ سنگی، چاپ شده و ای کاش که از روی چاپ سنگی هم به گونه‌ای صحیح، چاپ می‌کردند! اما در موضوع امام حسین(ع) مسئله فراتر از این است، چون مسئله امام حسین(ع) یک سنت اجتماعی بوده است و قرن‌ها جوامع شیعیان با این مسئله زندگی می‌کردند و مورد احساسات و توجه بوده است. بنا بر این نسخه‌های خطی فقط به کتابهای مختص در این موضوع خلاصه نمی‌شود. برای مثال ما بیاضهای مراثی داریم که یک قسمت از تاریخ اجتماعی و مذهبی ما را تشکیل می‌دهد. در کتابخانه‌ای که من تحقیق می‌کردم، حدود ۱۵۰ تا از این بیاضها مربوط به قرن ۱۳ بود که من آنها را فهرست کردم. منتها هر کدام از آنها نیاز به گزارش یک یا دو صفحه‌ای دارد که از اول تا آخر گزارش داده شود. ولی نه فرصت هست و نه خوانندگان چنین حوصله‌ای دارند. در لابه‌لای این بیاضها، مطالب تاریخی و اجتماعی مربوط به تأثیر و تأثر جامعه از این واقعه و همچنین شبیه‌خوانیها و اشعار مراثی که سروده شده است، به چشم می‌خورد. اغلب این بیاضها به خط مؤلفان است و یکی از بیاضها، بیاضی است که به خط مرحوم کمپانی بود. بنده بخشی را با دیوان مرحوم کمپانی مطابقت کردم و تفاوت بسیاری دیدم؛ مراثی که در آن هست، در دیوان نبود و یا ابیات جا به جا شده و یا کم و یا زیادی داشت. متأسفانه در



کتابخانه‌ها به این بیاضها که می‌رسند، فقط می‌نویسند بیاض و اصلاً به موضوع و محتوای آن اشاره‌ای نمی‌کنند. بیاضها بیشتر تعزیه هستند و یا اشعاری که خود مؤلف در مورد واقعه عاشورا سروده و یا نوحه‌هایی که خود اتشا کرده و یا شبیه‌خوانیها. از مقتلهای مهمی که من باید به آن اشاره کنم و لازم است که ما به آن توجه کنیم، خلاصه‌ای است که مرحوم زواره‌ای از روضه‌الشهدا نگاشته است. ایشان از فارسی‌نویسان قرن دهم هستند که تلخیصی از روضه‌الشهدا کاشفی به عمل آورده‌اند. هنوز این تلخیص به صورت خطی در کتابخانه‌ها موجود است در حالی که چاپ این کتاب می‌تواند تحولی در روضه‌الشهدا ایجاد کند. مجموعه دیگری که به مناسبت، از امام حسین بحث شده است، مجموعه دعاهاست. ما در کتابخانه‌های مختلف، کتابخانه دانشگاه تهران، کتابخانه مجلس، کتابخانه آستان قدس رضوی، کتابخانه آیت الله مرعشی، کتابخانه آیت الله گلپایگانی و کتابخانه‌هایی که مخطوطات در آن نگهداری می‌شود، عنوان دعا و یا جنگ ادعیه یا بیاض ادعیه داریم. در این مجموعه‌های متعدد به مسئله امام حسین (ع) و زیارات امام، زیارت عاشورا، زیارت اربعین، بسیار پرداخته شده است که اینها نیز هنوز به صورت دقیق فهرست نشده‌اند. علی‌الخصوص در مورد مجموعه دعاهایی که قبل از قرن دهم هستند و تعداد آنها زیاد است که من نسخه‌ای پیدا کردم که مجموعه ادعیه بود که از محقق کرخی نقل شده بود. مجموعه‌های دیگری که در آن جا در مورد امام حسین (ع) بیان شده است، مزارات است. مزارات مشهور مانند مزارات ابن طاووس و مزارات کفعمی، چاپ شده است. ولی ما به غیر از اینها مزاراتی داریم که

صدرائی خوئی :



در موضوع امام حسین (ع) متونی که تصحیح و تحقیق شده، این طور نیست که این متون و یا نسخه‌هایی که استفاده شده، نسخه‌های ممتازی باشد یا کتابهایی باشد که ما بهتر از آنها نداشته باشیم، بلکه به ذوق و انتخاب محققان بوده است. مثلاً روضه‌الشهدا که تاکنون ما یک نسخه مصحح که از روی چند نسخه معتبر از این کتاب، تصحیح شده باشد، نداریم

کهن و مجهول المؤلف هستند. این را من عرض کردم که برای سامان دادن یک دائره‌المعارف در مورد امام حسین (ع)، حداقل جست و جوی این کتابها لازم است. اما نسخه‌های خطی موجود با عنوان امام حسین (ع) که بنده با فرصت اندکی که داشتم از نرم‌افزاری که در اختیار من بود، استخراج کردم، چند عنوان است که باید روی آن کار شود. مثلاً عنوان الاربعون الحسينیه که در کتابخانه شخصی آقای خادم حسینی در تبریز نگهداری می‌شود. نسخه دیگر به نام اشعار الامام الحسين (ع) که نسخه‌ای در دانشگاه تهران و دیگر نسخه آن در کتابخانه مجلس است و ترجمه وصایای امیرالمؤمنین به امام حسین است. اکنون مثالی در مورد تأثیر مراجعه به نسخ خطی در تحلیل مسائل مربوط به عاشورا نقل می‌کنم. در مورد دعای حضرت در روز عرفه، که این دعا ذیلی دارد که ابن طاووس نقل کرده است و بعداً کفعمی دعا را در کتاب نقل کرده ولی آن ذیل را نیاورده است، ولی علامه مجلسی به نقل از ابن طاووس، آن را آورده است، الآن در روز عرفه، این مسئله قابل توجه است که

بعضی از افراد می‌گویند این ذیل جزو دعا است و افرادی هم اعتقاد دارند که جزو دعا نیست و عده‌ای با استناد به این که ذیل این دعا در کتاب یکی از عرفان اهل سنت در قرن هفتم آمده است، می‌گویند که این ذیل از امام حسین (ع) نیست. به نظر من این اظهار نظر، دقیق و کارشناسانه نیست. من با مراجعه به نسخه‌های خطی موجود، حدود هفت الی هشت تا شرح دعای عرفه، پیدا کردم که اغلب کهن و به صورت مخطوط هستند. عناوین آنها عبارت است از: تحفه‌الابرار نوشته مصطفی بن ابراهیم قاری متوفی ۱۰۸۰ قمری که شرحی است از دعای عرفه و چاپ نشده است؛ تذکره‌العارفین شرح دعای عرفه به فارسی، نوشته محمد بن ابی‌القاسم خاتون آبادی؛ شرح دعای عرفه کاشانی؛ شرح دعای عرفه سبزواری؛ شرح دعای عرفه شیرازی؛ کنوزالمعرفه علی‌اکبر موسوی شیرازی؛ مظهر الغریب و مظهر العجایب فی شرفه نوشته خلف بن عبدالمطلب قرن ۱۱، هدایت المستبصرین که اتفاقاً فقط شرح یک تکه از ذیل را بحث کرده است، یعنی قطعه "الهی الفقیر فی ...". این کتاب در ۱۲۴ صفحه فقط شرح همان ذیل است. الآن اگر کسی بخواهد بگوید که این ذیل جزو این دعا هست یا خیر، بدون مراجعه به این شروح، قطعاً نمی‌تواند نظر کارشناسانه‌ای داشته باشد. مثال دیگر این که ما مزاراتی داریم که در کتابخانه آستان قدس نگهداری می‌شود، تاریخ کتابت نسخه ۱۳۹۵ است ولی برآورد شده که خود مزار، متعلق به قرن چهارم است. در این مزار فصلی است در مورد زیارات امام حسین (ع) که از زیارت اول رجب و زیارت نیمه رجب، زیارت نیمه شعبان، زیارت شب عید فطر و قربان، زیارت روز عرفه و عید فطر و عید قربان، زیارت روز عاشورا تا زیارت بیستم صفر (اربعین). این نشان می‌دهد که در قرن چهارم، اربعین به عنوان نماد و یک روز زیارتی مطرح بوده است. بنا بر این ضرورت اقتضا می‌کند که ما در جریان تدوین دائره‌المعارفها در موضوع امام حسین (ع)، با توجه گستره موضوع، نسخه‌های خطی را فراموش نکنیم که مطالب مهمی در نسخه‌های خطی در این زمینه وجود دارد.

\* آقای اسفندیاری: با تشکر از آقای صدرایی. گویا آقای مسعودی در این مورد توضیحاتی دارند که ما به فرمایشات ایشان گوش می‌دهیم. البته من هم از ایشان سؤالاتی داشتم، موسوعه الامام حسین (ع) تا چه زمانی منتشر می‌شود؟ و تعداد مجلدات آن چقدر است؟ و موسوعه الامام علی (ع) چه زمانی ترجمه می‌شود و به بازار می‌آید؟ و آیا در برنامه کاری شما ترجمه موسوعه الامام حسین (ع) نیز هست؟

\* آقای مسعودی: در تأیید فرمایش همکار عزیزمان آقای صدرایی خوبی، استاد محمدرضا حکیمی در مورد ادعیه می‌فرمایند که ما در ادعیه، بسیاری از جملات را پیدا می‌کنیم که به بخشهای معرفتی اسلام و شیعه کمک می‌کند و اصلاً مخ ناب معرفت توحیدی است. ما در زیارات امام حسین (ع)، افزون بر این نکته، به نکات تاریخی مهمی دست پیدا می‌کنیم. مثلاً ما در نام اصحاب که بخشی از موسوعه هم هست، برخی از نامه‌های اصحاب را از این زیارات گرفته‌ایم و بسیار نقش مهمی را در شناسایی اسم کامل و حتی به اصطلاح، در رفع ابهام اسمها در اصحاب امام حسین (ع) داشت. اما راجع به پرسشهای حضرتتعالی، ما پیش‌بینی می‌کنیم که موسوعه الامام الحسين (ع) در حدود ۱۰ جلد



بیرون بیاید. اما در مورد ترجمه، ترجمه موسوعه الامام علی (ع) به پایان رسیده است و در هفته گذشته حتی در مورد جلد و نحوه تجلید و صحافی آن، به نتیجه رسیدیم و ان شاء الله، در نمایشگاه کتاب ۸۲ عرضه خواهد شد. در مورد موسوعه الامام حسین (ع)، مانند بقیه موسوعه‌ها، قصد داریم که آن را به زبان فارسی و اردو ترجمه کنیم و همه و یا گزیده‌ای از آن را به زبانهای اروپایی مانند انگلیسی و فرانسه در آینده نزدیک ترجمه می‌کنیم.

**\* آقای اسفندیاری:** ما تصور می‌کردیم به هر حال نسخه‌های مختلفی در کتابخانه‌ها هست و چاپ نشده است ولی با توضیحی که آقای صدرایی فرمودند، مشخص شد که برخی از نسخه‌ها را اصلاً فهرست نکرده‌اند. فهرست‌نویس ذکر کرده است بیاضی بیست عدد، بیاضی چهل عدد یا مجلس شعری که در تعزیه است و از کنار تعزیه رد شده‌اند. حال آن که اگر در کارهای خاورشناسان دقت کرده باشید، آن چه که بیشتر در باره امام حسین (ع) مورد توجه آنهاست، تعزیه است. عالمانه‌ترین و محققانه‌ترین کتابها را در مورد تعزیه، خاورشناسان نوشته‌اند. از جمله به کتاب تعزیه نمایش و نیایش در ایران می‌توان اشاره کرد. آنان سمینارهای متعددی در این زمینه داشتند و خیلی از نسخه‌های تعزیه و حتی بیاضها را تصحیح کرده‌اند. خلاصه با توجه به سخنان آقای صدرایی در اینجا، تأسف ما دو برابر شد. اما یکی از موضوعات بحثمان، امام حسین (ع) در نرم‌افزارها و سی‌دی‌ها و احیاناً رسانه اینترنت است. ما در آینده، کتابهای غیر کاغذی و کتابخانه‌های بدون کاغذ خواهیم داشت و باید صنعت نشر الکترونیکی را جدی بگیریم. در این مسابقه‌ای که شروع شده است، فرنگی‌ها حدود ده سال و حداکثر بیست سال از ما جلوتر هستند، این طور نیست که چند قرن از ما جلوتر باشند. بیست سال هم فاصله خیلی زیادی نیست و ما می‌توانیم در این زمینه نیز پیش برویم، به شرط آن که در این زمینه جدیت بورزیم و به نشر الکترونیکی اهمیت دهیم. جناب آقای سمیعی، سردبیر کتاب ماه کلیات، که این مجلس نیز به اهتمام ایشان برپا شده است، در این باره توضیحاتی می‌فرمایند.

**\* آقای سمیعی:** جناب آقای اسفندیاری فرمودند که ما در نشر الکترونیک و ابزار الکترونیکی، حداکثر بیست سال از کشورهای توسعه‌یافته عقب هستیم. این سخن از یک جهت، کاملاً صحیح است. بالاخره خاستگاهی جدید و نقطه عطفی در فن‌آوری در تاریخ بشر به وجود آمده است و خیلی از کشورها توانستند که در همین نقطه عطف، توسعه‌های پیش‌بینی نشده‌ای را داشته باشند. برای مثال کشور هندوستان که کشوری در حال توسعه است، توانسته در صنعت نرم‌افزار، موفقیت‌های چشمگیری را داشته باشد. ولی از جهت دیگر، تمام امکانات فن‌آوری، یک رسانه و ابزار بیش نیست. منتها غریبها با این ابزار، پیشینه وسیع پژوهشی خود را ارائه و دستاوردهای تاریخی خود را عرضه می‌کنند، ولی متأسفانه کشورها و فرهنگهای دیگر که در تدوین این اطلاعات، عقب‌مانده بوده‌اند، چیزی را برای ارائه در این رسانه‌ها ندارند. مثلاً دایره‌المعارف بریتانیکا که دایره‌المعارف وزین و ارزشمندی است، در سال ۱۹۹۰ روی CD عرضه می‌شود. تکنولوژی دیسک نوری و یا لوح فشرده در اختیار ما نیز هست، ولی ما آن اطلاعاتی را که

بخواهیم ارائه کنیم، در اختیار نداشتیم و ممکن است تا سالها نداشته باشیم. حال وارد بحث امام حسین (ع) در نرم‌افزارها و اینترنت می‌شوم. من در رابطه با حضرت به ۴ نرم‌افزار که به صورت ویژه در مورد ایشان نوشته شده است، اشاره می‌کنم. نرم‌افزار ولای امام حسین (ع)، نرم‌افزار رثا و نرم‌افزار عاشورا، این سه نرم‌افزار از دفتر تحقیقاتی یاسین رایانه است و نرم‌افزار چهارم، نرم‌افزار عترت است که از مجموعه نرم‌افزارهای عترت توسط مؤسسه امام رضا (ع) تهیه شده و الان توسط شرکت سحر عرضه می‌شود. در کنار اینها CD های مختلفی به صورت صدا یا تصاویر و یا احیاناً تصاویر متحرک در مورد حضرت ارائه شده است که آنها را نمی‌توان نرم‌افزار دانست. در اینترنت، در جستجویی که روی گوگل داشتیم، ما اسم "حسین" را چه در مورد امام و چه در مورد بقیه اشخاص، در ۲۰۲ هزار صفحه اینترنتی داریم، "الحسین" را در ۱۱۳ هزار صفحه اینترنتی، "الامام الحسین" را با الف و لام در ۱۰۹۶۰ صفحه اینترنتی، "امام حسین" را به صورت فارسی، بدون الف و لام در ۸۲۵۰ صفحه اینترنتی و "Hussein" را با خط انگلیسی (با گونه‌های مختلف نگارش) در ۵۶۴ هزار صفحه اینترنتی، "Imam Hussein" را با خط انگلیسی در ۶۲۰۰ صفحه اینترنتی داریم. این چشم‌اندازی است که روشن می‌کند نام حضرت به چه صورتی آورده شده است. البته حسین‌هایی که بدون امام آمده، مشترک است، ممکن است نام حضرت و یا نام اشخاص دیگر باشد ولی معمولاً آنهایی که با امام آمده مخصوص حضرت است. البته مواردی مانند دانشگاه امام حسین نیز محسوب شده است ولی تعداد آنها کم است. بنا بر این به فارسی ۸۲۵۰، به عربی ۱۰۹۶۰ و به انگلیسی ۳۸۴۰، "امام حسین" داریم که غالباً مربوط به حضرت است. سایت‌هایی که مطالب مربوط به حضرت را عنوان می‌کنند دو گروه هستند، یک گروه سایت‌های ویژه حضرت که دستور کار اصلیشان ارائه مطالبی در مورد امام است و یک گروه هم سایت‌های اسلامی و شیعی هستند که به حضرت به عنوان یکی از موضوعات مربوط پرداخته‌اند. سایت‌های ویژه، سایت‌های زیادی هستند مانند "imamhussein.net" و "alhussein.org". این سایتها معمولاً به زبان عربی ارائه شده‌اند و به زبان انگلیسی و فارسی بسیار کم داریم. گروه دوم، مطالب را به صورت کلی در مورد حضرت، ارائه می‌کنند، مانند: سایت حوزه، سایت شارع، سایت چهارده معصوم و سایت اسلام که به زبانهای مختلف مطالب را ارائه می‌کنند و بخشی را به حضرت اختصاص می‌دهند. معمولاً این سایتها توسط شیعیان تهیه و ارائه می‌شود. محتوای این سایتها معمولاً تصاویر متحرک و غیرمتحرکی است که در رابطه با حضرت و اماکن متبرکه، هم‌چنین مرتبه‌هایی که در مورد حضرت گفته شده و یا نوارهای روضه‌ای که در مورد حضرت به زبانهای مختلف ارائه شده است. بسیار دیده می‌شود که متون الکترونیکی کتابها، یا مقالاتی در مورد حضرت، در این سایتها عیناً گذاشته شده است. ولی متأسفانه باید گفت آن چه که ما در اینترنت و نرم‌افزارها در مورد امام حسین داریم، "هیئت"ی طراحی شده و در هیچ کدام از زمینه‌ها به صورت تخصصی و قابل ارائه و جدی کار نشده است. از امکانات جدید اینترنتی و امکانات online که اینترنت در اختیار همه اقشار مختلف جوامع بشر قرار داده، متأسفانه بهره‌چندانی گرفته نشده



است. بیشتر ما سعی کردیم که همان مواد خامی که قبل از پیشرفت فن آوری ارتباطات و اطلاعات داشتیم، عیناً بدون هیچ تغییری در این رسانه جدید ارائه کنیم و از ویژگی‌ها و نوآوری‌هایی که این رسانه در اختیار ما گذاشته است، اصلاً بهره‌ای نبرده‌ایم. البته در موارد محدودی ایده‌های جدید هم دیده می‌شود. مثلاً یکی از خدمات اینترنت، ارائه خدمات مسافرتی است. برای مثال ۷۶۶ صفحه در مورد تور کرپلا به زبان انگلیسی داریم که تور کرپلا را در جهان ارائه می‌دهد و خدماتش را مشخص می‌کند. حال این تور گاهی روی "virtual tour" است، یعنی تور و مسافرت‌های مجازی، گاهی یک اتاق چت است در مورد تورهایی که به جاهای مختلف جهان فرستاده می‌شوند و مسافران خاطرات خود را می‌نویسند و ثبت می‌شود و گاهی آژانس‌های مسافرتی هستند که برای تور کرپلا ثبت نام می‌کنند. این امکان جدیدی است که در رسانه اینترنت در زمینه زیارت امام حسین فعال شده که قبلاً نبوده است. البته این به زبان انگلیسی است و در زبان فارسی فقط یک مورد ارائه شده است که هیچ امکانی را در اختیار قرار نمی‌دهد و در آن نمی‌شود ثبت نام کرد و فقط تور را به صورت کلی معرفی کرده است. در مجموع، می‌توان گفت، آن طور که باید از دست‌آوردهای رسانه اینترنت در موضوع امام حسین (ع) بهره نبرده‌ایم. البته هنوز هیچ جای دنیا، در هیچ رشته تخصصی، هیچ کسی نمی‌تواند ادعا کند که تمام ابعاد این رسانه را در نور دیده است. در جمع‌بندی می‌توان گفت که چهره معرفی شده از امام (ع) در اینترنت، دست‌رنج تلاش‌های شیعیان مخلص و محبان حضرت است ولی جای زحمات پژوهشگران و هنرمندان،

#### حسن تیرانیان :

کتابشناسی تاریخی امام حسین (ع)، نخستین کتابشناسی تاریخی امام حسین به زبان فارسی است که آن به صورت گزینشی به مقاتل پرداختند، موسوعه‌ها و کتب تاریخی کرپلا را در نظر گرفتند و نظام کار علمی ایشان بر مبنای قرن است



هنوز خالی است. در خدمات "online" که در اینترنت ارائه می‌شود مثل خبررسانی‌های "online"، جلساتی که در جای جای دنیا می‌تواند به صورت پیوسته تشکیل شود و وب‌لاگ‌ها، متأسفانه در مورد حضرت چیزی نیافتیم.

\* آقای اسفندیاری: آخرین بحثی که در این جلسه به آن می‌پردازیم، بحث در مورد کتابشناسی امام حسین (ع) است. من با تأملی که در کتاب‌های متعددی در مورد حضرت نوشته شده، کرده‌ام، حدس می‌زنم که به زبان فارسی و عربی، در حدود ۵ هزار جلد کتاب در مورد امام حسین نوشته شده است که البته برخی از بین رفته و برخی نیز چاپ نشده است؛ یعنی اعم از کتاب‌های مطبوع و مخطوط و مفقود. از این ۵ هزار، اگر بخواهید صد کتاب مهم را برگزینید، قطع نظر از مثبت و یا منفی بودن - گاهی کتاب منفی است اما مهم است به عنوان مثال در تلقی عده‌ای کتاب روضه‌الشهدا کتابی منفی است اما هیچ تردیدی نیست که کتاب روضه‌الشهدا کتاب مهمی نیز هست و قرن‌ها

تأثیرگذار بوده است - دچار سختی فراوانی خواهید شد. یعنی به زحمت صد کتاب مهم درباره امام حسین (ع) در این ۱۴ قرن داریم. در این میان، پنج کتاب، ویژه قرن اول تا پنجم است؛ البته علی‌القاعده هر چه کتاب و رساله از قرن اول تا پنجم داشته باشیم و الان موجود باشد، بدون استثنا مهم هستند و جزو منابع دست اول ما می‌باشند. ده کتاب مهم دیگر برای قرن ششم تا دهم است. در این پنج قرن، دیگر نمی‌توان گفت که هر کتاب دیگری که نوشته شده است، کتاب مهمی است و از منابع دست اول است. بقیه کتاب‌ها یعنی کتاب‌های قرن یازدهم تا پانزدهم، ۸۵ کتاب از تقریباً معاصران در چهار قرن اخیر است. ۸۵ کتاب از معاصران، ده کتاب از متأخران و پنج کتاب از متقدمان است. از میان این صد کتابی که به عنوان صد کتاب مهم برگزیده شده است، هشتاد کتاب از شیعه است، یعنی ۸۰٪ شیعه کار کرده، و بیست کتاب از اهل سنت. همچنین از لحاظ زبانی ۷۰ کتاب به عربی است و سی کتاب به زبان فارسی. درباره امام حسین (ع) در حدود ۵۰ کتابشناسی تا به حال منتشر شده است که اعم از کتاب و مقاله به فارسی و به عربی است. از میان این ۵۰ کتاب، مهمترین آنها که من در این کتابشناسی تاریخی امام حسین (ع) آن را معرفی کرده‌ام، کتاب معجم ما کتب عن الرسول و اهل البیت از کتاب‌شناس نامدار جهان عرب، آقای عبدالجبار رفاعی است، البته این کتاب‌شناسی خالی از نقایص و نواقص نیست اما در مجموع از بقیه بهتر است. بخشی از جلد ۷ و بخشی از جلد ۸ این کتاب‌شناسی درباره امام حسین است و در آن ۳۲۱۵ کتاب و مقاله به عربی، فارسی و اردو درباره امام حسین معرفی شده است. رشته کتاب‌شناسی رشته سهل و ممتنعی است. به اعتباری سهل است و هر کس تصور می‌کند یک فهرستی در یک روز در ذیل هم بگذارد، می‌شود کتاب‌شناسی، با این نگاه آری! سهل است. اما اگر نگاه به کار شیخ آقابزرگ تهرانی کنیم و دقت‌هایی که او کرده و ۶۰ سال از عمر خود را صرف کتاب‌الذریعه کرده است، کتاب‌شناسی بسیار دست‌نیافتنی است؛ جلد اول کتاب‌الذریعه را ملاحظه فرمایید با جلد آخر که تا چند ماه قبل از درگذشت مرحوم آقا بزرگ تهرانی منتشر شده است، شصت سال می‌شود؛ یا نگاه به الذریعه و کشف الظنون کنیم و نگاه به کتاب‌شناسیهایی که احیاناً مرحوم محمدتقی دانش‌پژوه از معاصرین ما انجام داده‌اند. اما اگر به کسانی که سردستی چیزی می‌نویسند نگاه کنیم، روزنامه‌ها و نشریات و کانال‌وگه‌های انتشارات را کنار هم می‌گذارند، کار دشواری نیست. متأسفانه گاهی در رشته کتاب‌شناسی، سره و ناسره از هم تمیز داده نمی‌شود. یکی از مشکلات بزرگ این رشته، این است که ما اصلاً رشته‌ای به نام کتاب‌شناسی در دانشگاه نداریم، رشته کتاب‌داری داریم تا دکتری کتاب‌داری و اطلاع‌رسانی نیز داریم، اما رشته کتاب‌شناسی ابداً نداریم و اصلاً سوء تفاهمی برای کتاب‌داران پیش آمده است و آنان خیال می‌کنند که کتاب‌داری یعنی همان کتاب‌شناسی، حال که این طور نیست.

\* آقای دکتر تیرانیان: می‌خواستم در مورد اثر ارزنده و علمی و فرهنگی جناب آقای اسفندیاری، کتابشناسی تاریخی امام حسین (ع)، سخن بگویم. واقعاً باید خدمت ایشان تبریک گفت که چنین کار ارزنده‌ای را ارائه دادند و می‌توانم بگویم که این کار، نخستین



کتابشناسی تاریخی امام حسین به زبان فارسی است و مخاطبان آن عبارت‌اند از: عاشورا پژوهان و محققانی که شیفته تحقیق در زمینه عاشورا و کربلا و شخصیت والای امام حسین (ع). به صورت گزینشی به مقاتل پرداختند، موسوعه‌ها و کتب تاریخی کربلا را در نظر گرفتند و نظام کار علمی ایشان بر مبنای قرن است. ضمن یک معرفی توصیفی و تحلیل کتاب، توانستند نویسنده و نوشته را به خوبی معرفی کنند. حتی به جزئیات، مانند چاپ کتاب، مجلدات و فصلها پرداخته شده است. عمدتاً کار از یک نظم منطقی و علمی برخوردار است و دارای سبک است. با توفیقی که من در کتاب داشتیم، کتاب دو بخش است. جمعاً هزار عنوان کتاب را در طول این ۱۴ قرن معرفی کرده‌اند که ۱۰۰ تا را خود ایشان به آن پرداخته‌اند. یعنی در واقع از هیچ فهرستی استفاده نکرده‌اند و ۹۰۰ تایی دیگر را از دل الذریعه استخراج کرده‌اند. می‌دانید که این قبیل کارها نیاز به تلاش سنگینی دارد. روزی به خدمت مرحوم استاد آرام رسیدم و از ایشان پرسیدم که چه می‌کنید؟ ایشان در جواب گفتند که سوزن بر چشم می‌زنم. ایشان نیز واقعاً سوزن بر چشم زده‌اند تا توانستند این کار را به سرمنزل برسانند. به عنوان مثال در معرفی اولیه ایشان به مقتل الحسین (ع) اشاره کرده‌اند. ابتدا مشخصات کتابشناختی را به نحو احسن بیان فرمودند و بعد به توصیف پرداختند. منابع بعدی نیز به همین ترتیب، یعنی سبک، سبکی مشخص است که به درون مایه‌ها، اشتراکات و امتیازات به ترتیب تاریخی بر مبنای قرن می‌پردازد. چون آن ۹۰۰ کتاب را از الذریعه استخراج فرموده‌اید و الذریعه تنها به منابع تا زمان خود پرداخته است و تتمه‌ای ندارد، آیا در مورد کتابهای جدید نیز در آینده برنامه‌ای دارید؟ و آیا این کمبود در کار ارزنده و علمی که فرمودید به عنوان نقص، تلقی نمی‌شود؟ به عنوان مثال کتابی در سال ۱۳۶۸ از مرحوم امام خمینی به زبان عربی، تحت عنوان نهضت عاشورا در دار الوصیه بیروت، به چاپ رسیده است. شیخ محمدمهدی شمس‌الدین و شیخ زکی حسن و مرحوم شیخ اعلائی و محمد سماوی، هم در زمینه امام حسین (ع) بعد از الذریعه کار کرده‌اند که در مورد این افراد چه نظام کاری پی خواهید ریخت که - ان شاء الله - یک مجموعه کتابشناسی کامل به سبک دانشگاهی به بار بنشیند. زحمات ایشان را در جریان تدوین دانشنامه حضرت علی (ع) به یاد داریم. من از زبان آقای صادقی رشاد، کمتر شنیده‌ام که کسی را مدح کند ولی ایشان نیز از جناب اسفندیاری ستایش کردند و در مقابل کار تحسین‌انگیز آقای اسفندیاری، امتناع خود را شکستند. ضمن آرزوی توفیق برای ایشان، امیدوارم که سوالات مرا پاسخ دهند تا بتوانم در آتیه در مورد این کتاب کاملتر و جامعتر سخن بگویم.

\* آقای اسفندیاری: با تشکر از حسن ظن جناب دکتر تبرائیان، اینها را ما حمل بر این می‌کنیم که جناب آقای دکتر تبرائیان می‌خواهند ما را برای کارهای بهتر در آینده، تشویق کنند. سعدی در گلستان می‌گوید: در مجلسی از کسی ستایشی کردند که او برخاست و گفت من آنم که خود دانم! این کتابشناسی دارای دو بخش است که من در بخش اول، صد کتاب مهم را معرفی کرده‌ام و در بخش دوم، کمی بیشتر از ۹۰۰ کتاب را از الذریعه آورده‌ام. من دو بار، به دقت الذریعه را دیدم و هر چه کتاب در مورد امام حسین (ع) بوده استخراج کردم و آورده‌ام. با مراجعه

به این بخش که عنوانش امام حسین (ع) در الذریعه است، می‌توان دانست که در بزرگترین کتابشناسی شیعه، چه مقدار کتاب درباره امام حسین (ع) وجود دارد. در بخش اول صد کتاب مهم را در این ۱۴ قرن با معیارهایی که به طور دقیق در مورد این کتابها برشمردم، گزینش و کتابها را معرفی کرده‌ام. البته اولاً من هم تصدیق می‌کنم که بعد از الذریعه کتابهای متعددی منتشر شده است، ثانیاً در کل الذریعه در حدود ۵۵ هزار کتاب معرفی شده است، من حدس دوری می‌زنم که حدود دو تا سه برابر این کتابها از تسنن و تشیع بوده که به دست شیخ آقابزرگ تهرانی نرسیده و ایشان ضبط و ثبت نکرده‌اند. لذا اگر خللی در کار من باشد، از دو جهت وارد است، اول کتابهایی که ایشان در حیات خویش ثبت و ضبط نکرده است و دوم کتابهای بعد. البته من به الذریعه بسنده نکردم، کتابهای گوناگونی را دیده‌ام و کتابشناسی من، کتابشناسی بی‌واسطه است، یعنی کتابهایی که معرفی کردم، دیده و تقریباً آنها را مطالعه کرده‌ام. پس از شیخ آقابزرگ تهرانی هرچه کتاب مهم بوده است، تا آنجایی که مجال بود و معلومات من اجازه می‌داد، مراجعه کرده و آورده‌ام. به عنوان مثال، دو کتاب از علامه محمدمهدی شمس‌الدین، معرفی کردم که در الذریعه نیست و یا کتابهای مرحوم اعلائی که از دانشوران بزرگ اهل سنت است، از ایشان سه کتاب درباره امام حسین (ع) در یک مجلد چاپ شده است. من این کتابها را معرفی کرده‌ام و آخرین کتابی که معرفی کرده‌ام، کتاب مسند الامام الشهدی از جناب شیخ عزیزالله عطاردی است، که کتاب بسیار بسیار گران سنگ و حاصل زحمات چندین دهه ایشان است.

\* آقای مسعودی: بعد از کار مرحوم آقابزرگ، شاگرد مکتب ایشان، مرحوم علامه فقید آقا عزیز طباطبایی زحمت بسیاری کشیدند و ده جلد، ذیل بر الذریعه نوشتند. در حقیقت، ایشان پس از آقابزرگ، به کتابخانه‌های مختلف سرزدند و کتابهایی که آقا بزرگ ندیده بودند را دیدند و ثبت کردند و در کتابی به نام ذیل الذریعه در کتابخانه تخصصی ایشان و با کمکهای مؤسسه آل‌البیت و آقای شهرستانی تحت تحقیق و آماده سازی برای چاپ است. به غیر از مرحوم آقا عزیز، یکی دو نفر دیگر نیز این کار را انجام داده‌اند که متأسفانه من اسمشان را به خاطر ندارم ولی در فهرستهایی که وزارت ارشاد در کتابشناسیهای مختلف معرفی می‌کند، می‌توان به این مسئله هم پرداخت.

\* آقای اسفندیاری: این مجلس در اینجا به پایان می‌رسد و از آقای سمیعی سردبیر کتاب ماه کلیات تشکر می‌کنیم. ایشان چندین جلسه نقد و بررسی علمی که فواید فراوانی داشته‌است، برگزار کرده‌اند و من این را به فال نیک می‌گیرم. از امیرالمؤمنین (ع) روایت شده که "من استقبال وجوه الأراء عرف مواضع الخطأ" هر که وجوه آرای متعدد را ببیند، موارد خطا را می‌شناسد. در این گونه موارد، احتیاج به بحث و بررسی است و به جای این که در مطبوعات و نشریات، منظره شود، بهترین راه، این است که توضیحات، رویاروی و شفاهی باشد. من به ایشان پیشنهاد می‌کنم که یک یا چند جلسه ویژه دایره‌المعارف‌نویسی در ایران، داشته باشند. الآن در حدود بیست سال است که نهضت دایره‌المعارف‌نگاری در ایران شروع شده است و باید نقاط ضعف و قوت آن مشخص شود.